

سخن مدیرمسئول

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

< سیدمحمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



می‌روم تا در برابر این دشواری‌ها، خود را بیازم، فوراً سری به کتاب «روزگاری که گذشت» می‌زنم و از زبان عبدالحسین صنعتی زاده می‌شنوم که حاج اکبر صنعتی برای ساختن پرورشگاه ایتام، چه خون‌دل‌ها که نخورد و چه سخن‌ها که نشنید و چه ستم‌ها که ندید، همین استواری و پایمردی بود که سرانجام او را به آرزوهایش رساند و امروز این اثر، هم‌نهاد نیکی و نیکوکاری مردم کرمان است و هم نماد تلاش و مجاهدت انسان‌هایی که می‌دانند و صلا می‌دهند که:

ما زاده نجیب کویریم کز ازل

نوشانده زندگی ز سبوی بلایمان

بگذارید تاریخ درباره ما به داوری بنشیند و بر پیشانی روزگار بنویسد: بودند انسان‌هایی که از سبوی بلا نوشیدند و از جام شهد و شیرینی نوشاندند.

بدان امید که بکوشیم و بدانیم که سپهر اقتصاد، آسمان صنعت و تولید، بلندای ارزش‌های سیاسی و هر چه در قالب این واژه‌ها بگنجد، نگاهشان به همت ماست. به قول حنظله خجستانی:

مهتری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویاروی

سومین شماره سپهر اقتصاد کرمان در حالی از تنور طبع بیرون آمده و به نظر شما می‌رسد که کوله باری از سخن‌های گوناگون فرهنگی در هر گذرگاه، رخ نموده و به‌صورت کلاف سردرگمی از مشکلات ریز و درشت درآمده است. تردید نیست که بانی همه این تنگناها، دشمنان بداندیشی هستند که ما را جز در حالت تسلیم و رضا، نمی‌خواهند، اما در این میان هستند کسانی که آب به آسیاب دشمن ریختند و می‌ریزند و برنابسامانی‌ها می‌افزایند، سلاطینی که برخی جان خود را در رهگذر این بزرگی! باختند و در میان خروارها سکه طلا، گوهر وجود را از دست دادند و قارون وار، جان دادند و بعضی نیز زیر حکم هستند، در این میان سلاطین کاغذ و زینک و ... نیز هر روز گره جدیدی به کارمان زدند و اوضاع را بجایی رساندند که برخی فصلنامه‌ها تعطیل شدند، بسیاری از کتاب‌ها پشت در چاپخانه‌ها معطل ماندند و ... آری نابسامانی‌های اقتصادی، فرهنگ را نیز درگیر کرده است، اما راه چاره کدام است؟

آیا دست از تلاش برداریم و تن به قضا بدهیم و تسلیم شویم؟ یا اینکه همچون انسان‌های نامدار، بزرگی و عزت را بر بلندترین قله‌های هستی جستجو کنیم، ره بیماییم و از پا نیفتیم؟

به قول مرادی کرمانی «شما که غریبه نیستید» هر بار که



یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبراللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

یاران و عزیزان همراه!

سال دیگری سپری شد و بازهم برگی از دفتر زندگی ما جدا گردید، سالی همچون تمامی گذشته‌های تاریخ، با جامی آمیخته از شهادت و شرنگ و آمیزه‌ای از شادی و غم و اینک صدای پای بهار و لبخند طبیعت و آغاز سال جدید.

سالی که گذشت، بوته آزمایش دیگری برای ملت بزرگ و سرافرازی بود که از پس آزمون‌های بسیاری برآمده، با قامتی برافراشته رخ نموده و فریاد برآورده که:

بگو با خصم من گر بگسلد زنجیر چرخ، از هم

مرا از جان ایران نگسلاند عهد و پیمانم

و در سالی که پیش رو داریم باز هم فریادمان را پرشکوه‌تر از همیشه بر فراز می‌کنیم که هر کس ملت نستوه ایران را شکست‌خورده و ناامید و دل‌افسرده آرزو می‌کند، خواب پریشان دیده و آن تمنا را به گور خواهد برد.

بیایید از همین نخستین روزهای سال جدید، آستین همت بالا بزنیم و با خدای خود سوگند یاد کنیم که با تمامی قوا در برابر دشواری‌ها بایستیم و با قامتی به بلندای ایران همیشه سرافراز، خواب را در پلک دشمنانمان بشکنیم و آن‌ها را از راه‌رفته پشیمان کنیم.

آری (جهان‌گر جوان شد به فصل بهار) ما نیز می‌کوشیم تا به خدمت صادقانه، بهار عزت و بالندگی این سرزمین خدایی را تداوم ببخشیم و در انتظار روزهایی پرفروغ‌تر باشیم.

مباد این‌که بهار، از ما سبزتر باشد.

عیدتان سرشار از شادی و سرور و همه‌روزهای زندگی‌تان عید باد.

هیئت نمایندگان اتاق کرمان